



گفت و گوی
روزنامه صبا
با عوامل فیلم
سینمایی
«رقص باد»

عاشقانه‌ای بر مدار حس، سکوت و اندیشه

معصومه دهقان
گفت و گو

«رقص باد» ساخته سیدجواد حسینی، بیش از آن که صرفاً یک فیلم عاشقانه باشد، حاصل هم‌نشینی سه نگاه متفاوت اما هم‌مسیر است؛ نگاه تهیه‌کننده‌ای که «اندیشه» را مقدم بر تولید می‌داند، کارگردانی که به روایت آرام و احساسات کنترل‌شده وفادار مانده و بازیگری که نقش خود را «حرکت روی لبه پرتگاه» توصیف می‌کند. در مجموعه گفت‌وگوهای پیش‌رو، ابوالفضل صفری، جواد حسینی و رضا ثامری از فرآیند شکل‌گیری این فیلم، چالش‌های تولید و اجرا، و نسبت سینمایی امروز با عشق، سکوت و مسئولیت اجتماعی می‌گویند؛ روایت‌هایی که کنار هم، تصویر کامل‌تری از پشت‌صحنه و جهان انسانی رقص باد ارائه می‌دهند.

سیدجواد حسینی

کارگردان:

«رقص باد» فیلمی است که
با دل ساخته شده، نه با فرمول

«رقص باد» نخستین فیلم سینمایی سیدجواد حسینی، یکی از آثار حاضر در چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر است؛ فیلمی که با تکیه بر حس، قضا و شخصیت محوری، سراغ جهانی می‌رود که کمتر در سینمای ایران تجربه شده است. حسینی در این گفت‌وگو با روزنامه صبا از شکل‌گیری ایده فیلم، چالش‌های فیلمنامه و تولید، انتخاب بازیگران، تأثیر پذیری‌های سینمایی و نگاهش به وضعیت امروز سینمای ایران می‌گوید.

○ ایده اولیه «رقص باد» از کجا آمد و اولین جرقه‌اش چه بود؟
ایده اولیه فیلم از یک گفت‌وگو دوستانه شکل گرفت. من دوستی دارم به نام آکو زنده کریمی که فیلم کوتاه می‌سازد و تجربه ساخت فیلم بلند هم دارد. با هم گپ می‌زدیم، درباره سینما و فیلم‌های مورد علاقه‌مان حرف می‌زدیم که او یک ایده اولیه مطرح کرد با عنوان «در سرزمین باد». همان جرقه اولیه باعث شد مسیر این فیلم شکل بگیرد، هرچند ایده اولیه با چیزی که امروز روی پرده می‌بینید، تفاوت‌های زیادی دارد.

○ چرا اسم «رقص باد» را انتخاب کردید؟ این عنوان چه نسبتی با مضمون فیلم دارد؟

فیلم یک سری کلیدواژه دارد؛ مثل رقص، باد، دریا، عشق، انتظار. دنبال ترکیبی بودیم که با جهان فیلم متجانس باشد. با این کلمات بازی کردیم و در نهایت به «رقص باد» رسیدیم؛ عنوانی که به نظرم هم شاعرانه است و هم حال‌وهوای فیلم را منتقل می‌کند.

○ اگر بخواهید فیلم را در یک جمله معرفی کنید، «رقص باد» درباره چیست؟

اگر بخواهم خیلی خلاصه بگویم؛ گاهی لازم است برگردیم، حتی اگر خیلی دور شده باشیم.

○ چقدر از فیلم ریشه در تجربه‌های شخصی یا زیسته‌ی خودتان دارد؟

از نظر مستقیم خیلی نه، چون شخصیت‌های اصلی فیلم از نظر سنی حداقل ۲۰ تا ۳۰ سال از من بزرگ‌تر هستند، بنابراین نمی‌توانم بگویم تجربه زیسته شخصی من بوده‌اند. اما یک سری تجربه‌ها مثل عشق، انتظار یا حس دل‌بستگی چیزهایی هستند که همه ما کم‌وبیش تجربه‌شان کرده‌ایم و طبیعتاً در روایت فیلم تأثیر گذاشته‌اند. موسیقی هم خیلی به روایت این حس‌ها کمک کرد.

○ مهم‌ترین چالش شما در مرحله فیلمنامه چه بود؟

بیشتر از اینکه ساختار روایت ما را اذیت کند، مسئله انتقال اطلاعات بود. ما جاهایی اطلاعات را قطره‌چکانی به تماشاگر می‌دهیم، اما نه به قصد ایجاد ابهام یا گنگی. قصد ما این بود که یک حس اتفاق بیفتد. حسی که قرار بود منتقل شود، به صورت حسی هم پرداخت شد. یعنی بیشتر از اینکه به قواعد آکادمیک فیلمنامه‌نویسی فکر کنیم، دنبال تکمیل حس فیلم بودیم.

○ شخصیت‌های فیلم را چطور طراحی کردید؟ واقعی‌اند یا تخیلی؟

نمی‌توانم بگویم صددرصد واقعی یا صددرصد تخیلی هستند. ممکن است شخصیت واقعی‌ای وجود داشته باشد که شبیه کاراکترهای ما برخورد کند. حتی شخصیت‌های کاملاً تخیلی هم می‌توانند در دنیای واقعی مصداق داشته باشند.

○ «رقص باد» قصه‌محور است یا شخصیت‌محور؟
قطعاً شخصیت‌محور است. کاراکتر اصلی ما، یونس، پیش‌برنده قصه است.

○ در روایت فیلم، کشش داستانی مهم‌تر بود یا حس و فضا؟
برای من حس و فضا اولویت داشت. فیلم از جنسی است که بیشتر با قلب مخاطب ارتباط برقرار می‌کند تا با ذهن تحلیلی‌اش.

○ آیا جایی در فیلم عمدتاً دست به ابهام زده‌اید؟
ابهام نه به معنای گنگی. ما اطلاعات را کنترل‌شده و تدریجی دادیم تا حس فیلم حفظ شود، نه اینکه

مخاطب سردرگم شود.

○ امضای کارگردانی شما در «رقص باد» چیست؟

برای من امضای کارگردانی این بود که کارگردان دیده نشود. یعنی نیامدم حرکت عجیب و غریب یا خودنمایی فرمی انجام بدهم که بگویم این کارگردانی بلام. خودم را در مسیر فیلم قرار دادم. قاب‌بندی و ترکیب‌بندی را دوست دارم، اما همه‌چیز در خدمت روایت و حس فیلم است.

○ لوکیشن‌ها چه نقشی در روایت دارند؟

نقش بسیار پررنگی دارند. بعضی مفاهیم اصلاً از دل لوکیشن‌ها بیرون آمدند. مثلاً دریا؛ ما حدود ۸۷ سکانس لب دریا داریم که واقعاً نمی‌توانست جای دیگری اتفاق بیفتد. دریا خودش یک کاراکتر مستقل در فیلم است.

○ سخت‌ترین سکانس فیلم از نظر اجرا کدام بود؟

چند روز آخر پروژه که درگیر شرایط جغرافیایی شدید؛ باد، باران و شرایط سخت جوی، آن هم با محدودیت زمانی. باید فیلم را به سرانجام می‌رساندیم و آماده ارائه می‌کردیم و این واقعاً چالش‌برانگیز بود.

○ انتخاب بازیگران بر چه اساسی انجام شد؟

با مشورت تهیه‌کننده و مشاور انتخاب بازیگر، جلسات متعددی گذاشتیم و بررسی کردیم هر کاراکتر چقدر به نقش نزدیک است. این جلسات خیلی کمک کرد و خوشبختانه به انتخاب‌هایی رسیدیم که از آن‌ها بسیار راضی‌ام.

○ کدام نقش بیشترین ریسک را داشت؟

نقش یونس، چون تفاوت زیادی با نقش‌های قبلی بازیگرش داشت. همان لحظه‌ای که او را دیدم، گفتم خود یونس است. علاوه بر آن، کاراکتر الوان هم نقشی لب تیغی بود.

○ در تمرین با بازیگران چقدر اهل طراحی دقیق هستید؟

ما استوری‌بورد داشتیم، دورخوانی کردیم، دیالوگ‌ها اصلاح شدند و همه‌چیز قبل از فیلمبرداری طراحی شده بود. اما اگر در لحظه ایده‌ای از بازیگر یا عوامل می‌آمد که بهتر از طراحی اولیه بود، حتماً از آن استفاده می‌کردیم.

○ بازیگران چقدر در شکل‌گیری جزئیات نقش مشارکت داشتند؟

خیلی زیاد. مخصوصاً بازیگران اصلی، به‌ویژه آقای شجاع نوری، از لحظه شروع تا همین حالا کنار پروژه بودند، فکر کردند، ایده آوردند و با کاراکتر زندگی کردند.

○ بزرگ‌ترین بحران مسیر تولید چه بود؟

همان شرایط جوی در روزهای پایانی که واقعاً ما را درگیر کرد.

○ یک خاطره ماندگار از پشت‌صحنه؟

این فیلم پر از خاطره است. تمام گروه با دل و جان کار کردند. هر روزش برای من بخشی از زندگی‌ام است که فراموش نمی‌کنم.

○ فکر می‌کنید فیلم با مخاطب امروز از چه زاویه‌ای ارتباط برقرار می‌کند؟

از زاویه حس. من اسمش را می‌گذارم قلب. همه‌چیز فیلم، حتی موسیقی و صداگذاری، دلی و حسی انجام شده است.

○ سینمای ایران امروز را چطور می‌بینید؟

به نظرم سینمای ما به تنوع ژانر نیاز دارد. سینما فقط کمدی و اجتماعی نیست؛ ما به فیلم ترسناک، معمایی و ژانرهای دیگر هم نیاز داریم.

○ کدام فیلمسازان بیشترین تأثیر را بر نگاه شما داشتند؟

کریستف کیشلوفسکی، برایان دی پالما، روبن برسون، هاوارد هاگس و پدرو آلمودوار. با اینکه نگاه‌شان شبیه هم نیست، اما علاقه من به سینما از آن‌ها شکل گرفت. در این فیلم خاص، بیشتر از سینمای شرق اروپا تأثیر گرفتم.

○ به چند درصد از ایده‌های ذهنی‌تان رسیدید؟

من از خروجی موجود راضی‌ام، چون می‌دانم خودم و تیمم هیچ چیز کم نگذاشتیم.

○ امکانات فنی و تولیدی چقدر در مسیر شما محدودیت ایجاد کرد؟

قطعاً محدودیت داشتیم، اما بیشتر از اینکه مانع باشد، ما را وادار به خلاقیت کرد.

○ صحبت پایانی

از همه عوامل، از تهیه‌کننده تا کوچک‌ترین عضو گروه، صمیمانه تشکر می‌کنم. همه با دل کار کردند و دست‌تک‌شان را می‌فشارم.